

مجله سیاست دفاعی

شماره ۳۸ و ۳۹، بهار و تابستان ۸۱

## آمادگی برای حمله بعدی

نویسنده: ویلیام پری\*

تاریخ تصویب: ۱۰/۷/۸۱ مترجم: صفرعلی محمودی\*\*

تاریخ ارائه: ۸۱/۶/۲۵

### کلید واژه‌ها

تروریسم، استراتژیهای نظامی، سیستم دفاع موشکی ملی، جنگ افزارهای کشتار جمعی، موشک بالستیک، موشک پاتریوت، کشورهای یاغی، بازدارندگی، موشک کروز.

### چکیده

این مقاله استراتژی جدید آمریکا را برای مقابله با تهدیدات احتمالی پیش روی این کشور بیان می‌کند. امروزه ماهیت تهدیدات علیه آمریکا تغییر کرده است. نحوه مقابله با سلاحهای هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی و همچنین روش دفاع در برابر حملات گروههای تروریستی و دفاع چند لایه‌ای در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است. هدف و نتیجه مقاله ارائه راهکارهایی برای مقابله با تهدیدات جدید پیش روی آمریکا می‌باشد.

\*\*\*\*\*

### مقدمه مترجم

بعد از حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ ضرورت تدوین استراتژی جدید امنیتی - نظامی

\* ویلیام پری استاد بخش مهندسی و علم مدیریت دانشگاه استانفورد است. او از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۷ وزیر دفاع آمریکا بود.

\*\* صفرعلی محمودی، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل است.

آمریکا مطرح شد. براساس استراتژی جدید، تهدیداتی که اکنون آمریکا با آنها مواجه است با تهدیدات دوران جنگ سرد تفاوت اساسی دارند. آنچه برای استراتژیستهای آمریکایی از اولویت برخوردار است نحوه مقابله با تهدیدات دولتهای به اصطلاح یاغی و گروههای تروریستی ای است که درصدد دستیابی به جنگ‌افزارهای هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی هستند.

ویلیام پری در مقاله پیش‌روی درصدد تبیین استراتژی نوین آمریکا برای دوران پس از حوادث یازده سپتامبر می‌باشد. وی معتقد است که آمریکا بایستی با همکاری کشورهای دیگر مانع تکثیر سلاحهای هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی شده و از سوی دیگر بایستی از طریق به‌کارگیری سیستم دفاع موشکی ملی در مقابل تهدیدات موشکهای بالستیک، امنیت خود را تضمین کند.

اما به نظر می‌رسد که طرحهای امنیتی - نظامی آمریکا در مقابل تهدیدات تروریستی به طور کامل نمی‌توانند امنیت آمریکا را تضمین کنند، لذا با توجه به تلاش برخی دولتهای مخالف آمریکا و گروههای تروریستی برای دستیابی به سلاحهای کشتارجمعی، در آینده همچنان احتمال وقوع حملات تروریستی علیه آمریکا وجود دارد.

### ماهیت مسئله

به دنبال حملات به مرکز تجارت جهانی و پنتاگون (وزارت دفاع)، آمریکا با وجود غم مردگان مشغول رسیدگی به وضعیت مجروحان حملات شد. اما با افزایش خشم مردم آمریکا، این کشور مصمم است که به این اهانت بر بشریت واکنش نشان دهد و تصمیم قاطع گرفته است تا میزان آسیب‌پذیریش را در مقابل حملات بعدی کاهش دهد. مردم دنیا آشکارا شاهد پیامدهای وحشتناک حملات بوده‌اند، چگونه ممکن است تروریستها از کشتن افراد بی‌گناه تنفر داشته باشند، از سوی دیگر از تمام منابع خود برای انجام عملیات سازمان یافته و هماهنگ استفاده می‌کنند و چگونه خود را قربانی می‌کنند. انسانهای اهریمنی که از هواپیمای مسافربری به روش خلبانان ژاپنی استفاده می‌کنند. پیش‌بینی می‌شود که سوخت هواپیمای جت ۲۰۰،۰۰۰ پوند باشد که آن را به یک سلاح کشتار دسته‌جمعی تبدیل می‌کند و در نتیجه استفاده از هواپیمای مسافربری علیه مرکز

تجارت جهانی، بیش از ۳۰۰۰ نفر کشته شدند. میزان تلفات آن ده برابر بیشتر از تلفات حملات توسط کامیونهای بمب‌گذاری شده گذشته بوده است.

آمریکا ممکن است در پاسخ به این نوع حملات دست به اقدامات زیادی بزند، هرچند که انجام آنها دشوار و مستلزم صرف هزینه، و گرفتاری باشد. این کشور در هر صورت پاسخ خواهد داد. اما با توجه به آسیب‌پذیری آمریکا در مقابل این‌گونه حملات، آن کشور سعی در کاهش آسیب‌پذیریهایش دارد و همچنین بایستی تلاش کند تا از وقوع حمله بعدی پیش‌گیری کند. هرچند که فاجعه مرکز تجارت جهانی بسیار مهلک بود و اگر تروریستها از جنگ‌افزارهای اتمی و میکروبی استفاده می‌کردند، فاجعه ممکن بود صدها برابر آن تلفات داشته باشد.

جنگ‌افزارهای اتمی و میکروبی در دستهای تروریستها و کشورهای یاغی بزرگترین تهدید و خطر برای امنیت آمریکا - و در واقع خطری برای امنیت دنیا به حساب می‌آید - تهدیدی که چندان هم بعید نیست. چند کشور مخالف آمریکا پیش از این برای توسعه جنگ‌افزارهای اتمی خود برنامه‌های سری داشته‌اند، گروههای تروریستی چندملیتی هم لفظاً و هم عملاً اعلام کرده‌اند که هدفشان کشتن آمریکاییان و نابودی سمبلها و نمادهای قدرت امریکا است. این تروریستها از روشهایی همچون بمب‌گذاری توسط کامیون و حتی از روشهای نزدیک به جنگ‌افزارهای هسته‌ای تاکتیکی استفاده می‌کنند و آشکارا انگیزه قوی برای نابودی دارند. اسامه بن لادن عملاً به پیروانش گفته است که به دست آوردن جنگ‌افزارهای کشتار دسته‌جمعی "یک وظیفه دینی" است. پرسش این است که آیا آنها موفق خواهند شد؟

پس از پایان جنگ سرد، موانعی که سر راه دستیابی به جنگ‌افزارهای اتمی وجود داشت برداشته شد. مهارت فنی برای تولید جنگ‌افزارهای اتمی بیش از پیش از طریق اینترنت به دست می‌آید. کنترل‌های امنیتی در باره عرضه گسترده جنگ‌افزارهای اتمی (به تعداد دهها هزار) و مواد تجزیه‌شدنی (به مقدار صدها تن) بیش از پیش نامطمئن شده‌اند. روتق بازار سیاه در زمینه عرضه مواد شکافتنی حاکی از این است که تقاضا برای این مواد افزایش پیدا کرده است. در چند سال آینده مجموعه این نیروها ممکن است به برخورد و فاجعه‌ای اتمی منتهی شود که نتایج آن مصیبت‌بارتر از نابودی هیروشیما و

ناکازاکی به وسیله بمبهای اتمی باشد که باعث کشته شدن تقریباً ۲۰۰.۰۰۰ نفر در این دو شهر شد.

توانایی و ظرفیت نابودی یک بمب اتمی بر همگان آشکار است، اما ششیه‌سازیهایی اخیر نشان می‌دهد که حمله به وسیله میکروبهایی بیماری آبله ممکن است باعث تلفات زیادی شود. علاوه بر این، دلایل منطقی خوبی برای این ترس وجود دارد که ممکن است جنگ‌افزارهای میکروبی تبدیل به اسلحه متتخب تروریستها شود. آنها می‌توانند بدون نیاز به زیرساختها و تشکیلات وسیع و گسترده که برای طرفهای اتمی شان ضروری است این جنگ‌افزارها را تولید کنند. پیشرفتهای صورت گرفته در بیوتکنولوژی و داروسازی، تهیه و تولید این دانش فنی را فراهم ساخته است. در این میان گروههای مخالف نمی‌توانند جنگ‌افزارهای مورد نیازشان را تولید کنند، اما می‌توانند از طریق کانالهای غیرقانونی تهیه کنند. اتحاد شوروی در دوران جنگ سرد، مقدار زیادی جنگ‌افزار میکروبی تولید کرده است، بخشی از آنها چه بسا هنوز هم در دسترس باشد. چین، کره شمالی و عراق همگی برنامه‌های تولید جنگ‌افزارهای میکروبی داشته‌اند، به طوری که فرقه آئوم شنریکو (Aum Shinriko) در سال ۱۹۹۵ در ژاپن، از یک نوع سلاح شیمیایی به نام سارین (Sarin) در حمله مرگ‌بار در مترو توکیو استفاده کرد.

سرانجام، تهدید بعدی از موشکهای دوربرد ناشی می‌شود که توجه زیادی را به خود جلب کرده است. اما موشکهای دوربرد در دستهای نیروهای مخالف آمریکا تهدید جدید مهمی تلقی نمی‌شود مگر اینکه آن موشکها به کلاهکهای اتمی یا میکروبی مجهز شده باشند. در مقابل، جنگ‌افزارهای اتمی و میکروبی حتی بدون موشک نیز خطرناک هستند، زیرا آنها را می‌توان با روشهای زیادی از جمله از طریق کامیون، کشتی، قایق و هواپیما حمل کرد. در واقع با توجه به جاذبه‌هایشان، مخفی کردن آنها، نه تنها ممکن است بلکه مناسب‌ترین روش و شیوه حمله نیز به حساب می‌آید.

با توجه به گستردگی فاجعه‌ای که ممکن است در یک حمله اتمی و میکروبی اتفاق بیفتد، امروزه بایستی چنین تهدیداتی را در سرلوحه مهمترین اولویت امنیتی قرار داد، دقیقاً همان طور که جلوگیری از حمله اتمی مهمترین اولویت و هدف در طول دوران جنگ سرد بود. در آن دوره، اساس استراتژی آمریکا: بازدارندگی بود؛ اکنون، بایستی

دو استراتژی دیگر را به این مجموعه اضافه کند: پیشگیری (مهار تهدیدات نوظهور قبل از اینکه گسترش یابند) و دفاع. به جای تکیه انحصاری به هریک از سه استراتژی، رهیافت مناسب و عملی برای امریکا به کارگیری ترکیبی متوازن از سه استراتژی است. سیستم دفاع موشکی بایستی یکی از اجزای سیاست ملی امریکا باشد، اما اگر پیگیری قاطعانه آن با برنامه‌های طراحی شده برای کنترل و تقویت بازدارندگی در تضاد باشد، ممکن است به جای تقویت امنیت امریکا، آن را کاهش دهد.

### چگونه می‌توان از تکثیر جنگ‌افزار هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی جلوگیری کرد

پیشگیری اولین مرحله دفاع در مقابل تکثیر و گسترش جنگ‌افزارهای کشتار جمعی است، اما مستلزم همکاری سایر قدرتهای اتمی است. هر اقدامی که امریکا برای توقف گسترش جنگ‌افزارها صورت می‌دهد، برای مثال، اگر روسیه تصمیم بگیرد که تکنولوژی اتمی و جنگ‌افزارها یا مواد شکافتنی‌اش را بفروشد، ممکن است به آسانی خنثی شود. رهبران روسیه می‌دانند که به نفع منافع ملی‌شان است که با تکثیر و گسترش این جنگ‌افزارها مقابله کنند. اما، شاید آنها به چند دلیل بر سر دوراهی تأمین منافع امنیتی و ضرورت به دست آوردن ارز فراوان گرفتار شده‌اند. چه بسا انگیزه مالی آنها را گمراه کند و فکر کنند که برای مثال فروش تکنولوژی هسته‌ای تجاری به ایران، باعث توسعه جنگ‌افزارهای اتمی نخواهد شد. ضرورت همکاری برای جلوگیری از تکثیر جنگ‌افزارهای هسته‌ای و میکروبی از طریق بسیاری از قراردادهای قابل اجرای قبلی مانند قرارداد منع تکثیر تسلیحات اتمی، پیمان کاهش جنگ‌افزارهای استراتژیک (استارت) و کنوانسیون منع تکثیر جنگ‌افزارهای میکروبی، و همچنین از طریق قراردادهایی که هنوز به مرحله اجرا نرسیده‌اند، مانند پیمان منع کامل آزمایشات هسته‌ای، استارت ۲ و استارت ۳، و از طریق توافقات دوجانبه و چندجانبه، همچون قرارداد سه‌جانبه (میان آمریکا، روسیه و اوکراین) و چارچوب توافق شده (بین آمریکا و کره شمالی) و موافقت‌نامه موشکی جاری با کره شمالی؛ و از طریق برنامه‌های همکاری مشترک برای کاهش خطرات اتمی و کنترل زرادخانه‌های اتمی دوران جنگ سرد همچون برنامه Nunn-Lugar با روسیه و کشورهای شوروی سابق، آشکار و روشن

است. بسیاری از این برنامه‌ها کاملاً نتیجه‌بخش بوده‌اند. برای مثال ابتکار Nunn-Lugar در کنار استارت و موافقت‌نامه سه‌جانبه، پیش از این باعث برچیده شدن بیش از ۵۰۰۰ کلاهک اتمی و نابودی کامل جنگ افزارهای هسته‌ای در اوکراین، قزاقستان و روسیه سفید شده‌است. در نتیجه برنامه‌هایی طراحی شده‌است تا مانع انتقال پلوتونیوم تجاری مازاد شوروی شود و مانع از استفاده از اورانیوم غنی شده در جنگ‌افزارها شود، مواردی که سابقاً در بمبهای شوروی استفاده می‌شد که می‌توانستند نصف تجهیزات ضروری راکتورهای اتمی آمریکا را مورد هدف قرار دهند.

برای جلوگیری از تکثیر و گسترش بیشتر جنگ‌افزارهای هسته‌ای و میکروبی، آمریکا بایستی از این طرحها - برای مثال - از طریق گسترش تلاشهای Nunn-Lugar درباره جنگ‌افزارهای هسته‌ای تاکتیکی و سرمایه‌گذاری روی طرحهای پیشنهاد شده برای جلوگیری از انتقال پلوتونیوم، حمایت و آنها را اجرا کند. اما مقداری از این موادی که برای تولید جنگ‌افزارها به کار می‌رود پیش از این پخش و اشاعه شده‌است، و همیشه تلاشها برای جلوگیری از تکثیر سلاحهای هسته‌ای و میکروبی، زیاد مؤثر و ثمربخش نیست (مثال بارز و آشکار آن اخراج بازرسان جنگ‌افزارهای هسته‌ای و میکروبی سازمان ملل متحد [آنسکام] از عراق است). بنابراین مرحله دوم دفاع بایستی بازدارندگی باشد.

اگرچه استارت ۲ و استارت ۳ به طور کامل اجرا نشده‌اند با این حال، آمریکا هنوز هم این توانایی و قدرت اتمی را دارد که هر کشوری که علیه آن از جنگ افزارهای اتمی استفاده کند، بدون هیچ ترسی، کشور حمله‌کننده را نابود سازد. به ویژه اگر حمله اتمی توسط موشکهای بالستیک صورت گیرد، بلافاصله مکان و پایگاه اصلی موشک پرتاب شده ردیابی و سپس بلافاصله توسط نیروهای اتمی آمریکا هدف‌گیری می‌شود - حقیقتی که همگان به آن معترف‌اند.

برخی نگران این مسئله هستند که ممکن است یک کشور مجهز به جنگ‌افزارهای هسته‌ای به دوست و متحد آمریکا با سلاحهای متعارف حمله کند، آنها معتقدند که آمریکا در این صورت هیچ تعهدی نخواهد داشت تا به خاطر ترس از حمله اتمی احتمالی به شهرهای آمریکا واکنش نشان دهد. اما در صورت واکنش آمریکا، چنین

حرکت اشتباهی، خطرناک خواهد بود، زیرا امریکا در مقابل حمله به وسیلهٔ سلاحهای متعارف به یکی از متحدانش، به همان سان - به وسیلهٔ نیروهای نظامی متعارف خودش - پاسخ خواهد داد. حمله کننده چه بسا بعداً تهدید به حملهٔ اتمی کند، اما بار دیگر، شاهد دریافت پاسخ فوری و دردناک سختی خواهد بود. بنابراین، مادامی که امریکا نیروی متعارف قوی در اختیار دارد، تهدید به حملهٔ اتمی، سناریوی بازدارندگی کلاسیک تکرار خواهد شد. با این حال اگر امریکا مورد تهدید قرار گیرد، توانایی نابودی پایگاههای پرتاب موشک، مکان ذخیره‌سازی و تجهیزات تهیه و تولید جنگ‌افزار کشور متخاصم را به وسیلهٔ جنگ‌افزارهای نظامی متعارف دوربرد و بسیار دقیق و سایر جنگ‌افزارهای دیگر دارد. بنابراین براساس سیاست اعلام شدهٔ واشنگتن، هیچ کشور متخاصم نمی‌تواند این احتمال را نادیده بگیرد که اگر امریکا مورد حمله واقع شود، آن کشور در پاسخ، حمله خواهد کرد.

خلاصه اینکه، امریکا بازدارندگی قدرتمند و قابل اعتمادی دارد که هم شامل جنگ‌افزارهای هسته‌ای و هم شامل تسلیحات متعارف می‌شود که حملهٔ اتمی مستقیم یا تهدید به حملهٔ اتمی از سوی کشورهای دیگر را غیرممکن می‌سازد. به هر حال این فرصت و شانس هنوز وجود دارد که یک کشور متخاصم به وسیلهٔ جنگ‌افزارهای اتمی و میکروبی توسط رهبری که تعادل فکری و روحی‌اش را از دست داده است، مسلح شود یا اینکه رهبری تصور و برداشت غلطی از نتایج اقداماتش داشته باشد. بازدارندگی در مقابل یک گروه تروریستی نمی‌تواند قابل اعتماد باشد؛ اعضای یک گروه تروریستی معتقدند که ردپای حملهٔ آنها را نمی‌توان پیدا کرد و واکنش نشان داد که آنها را نمی‌توان پیدا کرد و به خاطر آرمانهایشان به کیفر رساند. به عبارت دیگر هم پیشگیری و هم بازدارندگی در مقابله با تروریسم ممکن است شکست بخورند. همیشه یک احتمال، هرچند ضعیف، وجود دارد که پرتاب موشک، عملی ناگهانی و خارج از حوزهٔ اختیار یک قدرت اتمی دیگر صورت می‌گیرد. هر یک از این حوادث احتمالی ممکن است فاجعه‌ای را به وجود آورد. بنابراین برای مردم امریکا منطقی است همانند بیمهٔ زلزله که برای جبران خسارت ناشی از زلزله می‌خرند، ضروری است تا "بیمهٔ حوادث" را نیز برای جبران خسارات ناشی از حملات تروریستی خریداری کنند.

## دفاع در برابر ترندهای شیطانی

فوری‌ترین خطر، گروه‌های تروریستی هستند که بمب‌اتم یا جنگ‌افزار میکروبی را با وسایلی مانند کامیون، کشتی، هواپیما یا قایق حمل می‌کنند. چنین حمله‌ای می‌تواند از لحاظ تاکتیکی شبیه مواردی باشد که آمریکا پیش از این تجربه کرده است - بمب‌گذاری در مرکز تجارت جهانی در سال ۱۹۹۳، انفجارات در برج‌های خُبر (Khobar) عربستان سعودی در سال ۱۹۹۶، حملات به سفارتخانه‌های آمریکا در کنیا و تانزانیا در سال ۱۹۹۸ و بمب‌گذاری اخیر در کشتی نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا یو.اس.اس. کول (U.S.S. Cole) - و سرانجام اینکه شناسایی طرف‌های مسئول، به همین سان مشکل خواهد بود. مقصر احتمالی گروه تروریستی چندملیتی سازمان یافته خواهد بود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت حمایت یک یا چند کشور متخاصم فعالیت می‌کند. اتخاذ تاکتیکها و تدابیر دفاعی نظامی دائمی از سوی آمریکا به طور کلی نامناسب خواهد بود، زیرا حمله‌کنندگان مکان و زمان حمله را مخفی نگه خواهند داشت و واشنگتن نمی‌تواند پیوسته سراسر کشور را از خطرات تروریستی حفظ کند. بنابراین اولین مرحله دفاع در برابر این نوع تهدیدات، به کارگیری یک شبکه اطلاعاتی و جاسوسی است که بتواند به حکومت هشدارهای پیشاپیش، قبل از اینکه حمله شروع شود، بدهد تا دولت (حکومت) جلو آن را بگیرد. هرچند که واشنگتن تلاش می‌کند فعالیتها و اقدامات اطلاعاتی خود را افزایش دهد، با این حال آنها با دو مانع مواجهند. موانعی که درباره تحقیقات مؤسسات اطلاعاتی و جاسوسی در خصوص مظنونان داخلی و فاصله بین تشکیلات اطلاعاتی و اجرای قوانین وجود دارد. برطرف کردن این مشکلات بدون زیرپا گذاشتن بی‌مورد آزادیهای مدنی شهروندان آمریکایی، و بدون تصویب قوانین جدید مناسب و نیز بدون سازماندهی مجدد قوه مجریه ممکن نخواهد بود. ایجاد وزارت امنیت داخلی توسط بوش، رئیس‌جمهور، پایه و مبنای مؤثری برای تغییرات ضروری است.

همزمان، واشنگتن بایستی نبرد و مبارزه قاطعی را علیه پایگاههای گروه‌های تروریستی و حامیان دولتی احتمالی‌شان پیگیری کند. فعالیت گروه‌های تروریستی، اغلب در چند کشور متمرکز است و از سوی آن کشورها حمایت می‌شوند، بنابراین لازم است آمریکا مجموعه اطلاعات را در این زمینه جمع‌آوری کند و این اقدامات و تلاشها



را همراه با سایر کشورها، به ویژه با کشورهایی که کانونها و تشکیلات سرّی تروریستها در آن کشورها قرار گرفته است، تجزیه و تحلیل کنند. چه بسا خیلی مهم خواهد بود (و خیلی دشوار خواهد بود) تا به این نوع همکاری با روسیه و چین دست یابد. اما دقیقاً موفقیت‌های آینده در جلوگیری از تکثیر سلاح‌های هسته‌ای نیازمند هماهنگ کردن برنامه‌ها با روسیه و چین خواهد بود، در نتیجه جمع‌آوری اطلاعات درباره گروه‌های تروریستی چندملیتی با موفقیت صورت خواهد گرفت.

کشورهای متخاصم در صورتی که توانایی خود را برای حمله به آمریکا به وسیله جنگ‌افزارهای هسته‌ای و میکروبی توسعه دهند، ممکن است خطر و تهدید تلقی شوند. علاوه بر روش‌های مخفی که گروه‌های تروریستی استفاده می‌کنند، کشورها نیز می‌توانند جنگ‌افزارهایشان را در هواپیماها، چه بسا در پوشش کارخانه‌های تجاری، قرار دهند یا موشک‌های کروز را در کشتیها در نزدیکی سواحل آمریکا مستقر سازند. در اینجا یکبار دیگر وجود تشکیلات اطلاعاتی و جاسوسی، مهم و ضروری هستند. به کارگیری دستگاه‌های اندازه‌گیری دفاعی ضروری در مکان‌های مناسب که به موقع درباره زمان و مکان حمله برنامه‌ریزی شده هشدار دهند، ضروری است.

یک کشور متخاصم ممکن است با موشک‌های بالستیک دوربرد حمله کند، خطر احتمالی که اخیراً توجه زیادی را به خود معطوف کرده است. دولت بوش در تصمیم خود برای به کارگیری سیستم دفاع موشکی ملی (NMD) برای تقویت امنیت گفته است که هیچ تمایلی ندارد تا بر بازدارندگی صرف در چنین شرایطی متکی باشد. سیستم دفاع موشکی ملی به یک معنا یک سیاست و اقدام احتیاطی است که اگر پیشگیری و بازدارندگی شکست بخورند و کشور مهاجم تصمیم بگیرد برای حمل جنگ‌افزارهایش به جای استفاده از هواپیما، از موشک‌های کروز یا باروش‌های مخفی از موشک‌های بالستیک استفاده کند، مناسب است. بحث و مشاجره درخصوص سیستم دفاع موشکی ممکن است بر سر این مسئله باشد که احتمالاً آمریکا به چنین اقدام احتیاطی نیاز دارد، ولی این سیاست چقدر هزینه خواهد داشت و این کشور، این هزینه را در صورت لزوم می‌تواند تأمین کند (به عبارت دیگر، آیا این سیستم‌های دفاعی کار خواهند کرد). اینها پرسش‌های منطقی هستند که قبل از اقدام برای به کارگیری موشک‌ها بایستی پرسیده شود.

سیستم دفاع موشکی زمین پایه در توسعه‌اش برای رهگیری کلاهک‌های در حال

فرود در پرواز متوسط طراحی شده است، بسیار خوب پیشرفت کرده است - در واقع تلاش می‌کند "موشک را با موشک هدف قرار دهد". بحث و مناظره زیادی در خصوص این سیستم، به ویژه، بعد از چند آزمایش ناموفق به وجود آمده است. اما، با این حال، موفقیت نیازمند تکنولوژی کاملاً پیشرفته خواهد بود، من معتقدم که امریکا به زودی یا شاید در پنج تا ده آزمایش بعدی برتری قاطع سیستم دفاع موشکی ملی را نشان خواهد داد. بنابراین، در طول چند سال آینده، سیستم دفاع موشکی در میدان آزمایش، ۸۰ تا ۹۰ درصد از کارآیی فنی را نشان خواهد داد. ارزیابی کارآیی عملیاتی احتمالی چنین سیستمی موضوع دشواری است و مستلزم اتخاذ نگرشی واقع بینانه از کوچکترین تأثیرات احتمالی متعدد است. برای مثال، سیستم دفاع موشکی ملی، برای چندین سال غیرقابل رقابت خواهد بود، و بنابراین برای اولین بار بایستی به طور کامل احتمالاً بدون هیچ هشدار پیشاپیشی عمل کند. چنین طرحی دقیقاً خلاف وضعیت حاکم بر میدان آزمایش است، که نخست پرسنل مطلع می‌شوند و سپس آماده می‌شوند (و اگر آنها نباشند، شلیک موشک به تأخیر می‌افتد). با این حال تجربه سایر سیستمهای نظامی نشان می‌دهد که این سیستمها به بهترین انجام آزمایشهایشان، تنها بعد از استفاده مؤثر در شرایط و موقعیت جنگی، دست خواهند یافت. سیستمهای دفاع هوایی تاکتیکی بعد از عملیات علیه موجهای بمباران حملات مکرر سازگارتر به نظر می‌آیند. یک سیستم دفاع موشکی که علیه یک حمله هسته‌ای عمل می‌کند، باید در اولین هدفش خوب عمل کند. سرانجام در یک حمله واقعی، انسان باید این انتظار را داشته باشد که حمله کننده، اقدامات متقابل متفاوت فنی یا تاکتیکی، همچون: تله گذاری، استتار، اختلال در رادار، یا خاموش کردن رادار اتمی را در جهت از کار انداختن سیستم دفاع موشکی ملی به کار گیرد. واشنگتن احتمالاً نمی‌داند که کدام یک از اقدامات متقابل ممکن است واقعاً علیه سیستمش مورد استفاده قرار گیرد، اما می‌تواند پیش‌بینی کند که آنها را بر طبق نیازهای خاص برنامه سیستم دفاع موشکی امریکا، به صورتی که در گزارش عمومی تشریح شده است، تغییر دهد. به کارگیری اقدامات متقابل به آسانی عملی شدنی نیست ولی طراح سیستم دفاع موشکی برای پی بردن به آنها انگیزه بسیار زیادی دارد. این آسیب‌پذیری ذاتی هوایی یا سیستم دفاع موشکی مشکلی است که می‌توان بیان کرد ولی هرگز نمی‌توان به طور کامل برطرف کرد.

آسیب‌پذیری در مقابل اقدامات متقابل موضوع جدیدی نیست. در واقع یک ضعف مشترک قدیمی همه سیستمهای دفاع هوایی است. سیستمهای دفاع موشکی، سابقه عملیاتی موفقیت‌آمیزی ندارند، اما امریکا و سایر کشورهای دیگر عملیتهای دفاع هوایی دارند که قدمت آنها به بیش از شصت سال می‌رسد. از لحاظ تاریخی این عملیتهای و اقدامات، قدرت و توانایی سیستمهای دفاعی شان را در نبردها نشان می‌دهد که می‌توانند بین ۳ و ۳۰ درصد از هواپیماهای حمله‌کننده را سرنگون کنند. البته در برخی موقعیتهای عملیاتی آنها خوب عمل نکرده‌اند. این سابقه نمی‌تواند امریکا را در خصوص استفاده از چنین سیستمهای دفاع هوایی برای دفاع از نیروهای نظامی خود در برابر حملات مکرر به وسیله هواپیماهای بمب‌افکن نظامی معمولی باز دارد، زیرا میزان سرنگونی کمتر از ۱۰ درصد از بمب‌افکنهای دشمن سرانجام توان و قدرت آنها را کاهش خواهد داد. اما این میزان موفقیت جزئی برای امریکا دلیل بر این مدعاست که این کشور توان و آمادگی سیستم دفاع هوایی قابل مقایسه‌ای برای دفاع از شهرهایش در برابر حمله بمب‌افکنهای مسلح به بمب اتمی ندارد، به این دلیل است که حتی سرنگون کردن ۳۰ درصد از هواپیماهای دشمن ناکافی خواهد بود.

در اوایل دوران جنگ سرد، امریکا به کارگیری سیستم دفاع هوایی را برای حمایت از مردم کشورش در مقابل (حمله) ناوگان بمب‌افکنهای زیاد شوروی مورد توجه قرار داده بود. این برنامه‌ها مستلزم به کارگیری رادارهای بزرگ، فرماندهی سراسری - سیستم کنترلی، هواپیمای رهگیر F-106، و مجموعه زیادی از موشکهای ضد هواپیما در اطراف هر منطقه شهری بزرگ بود. تعدادی از واحدها عملاً به کار گرفته شدند، اما سرانجام واشنگتن به این نتیجه رسید که حتی اگر سیستم دفاع موشکی از لحاظ تاریخی، تعداد زیادی از هواپیماهای دشمن را ساقط کرده باشد، باز هم نمی‌تواند امنیت کافی را در مقابل حمله هوایی فراهم سازد. در این میان، مسکو تصمیم مخالفی اتخاذ کرد. همزمان تشکیلات اطلاعاتی و جاسوسی امریکا ارزیابی کردند که شورویها برای حمایت از شهرهایشان در برابر بمب‌افکنهای B-52 و B-42 ما (امریکا)، بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار (به دلار سال ۱۹۷۰) بایستی هزینه کنند تا یک سیستم دفاع هوایی را که شامل هزاران موشک زمین به هوا می‌شود، به کارگیرند. در واکنش، فرماندهی هوایی استراتژیک امریکا اقدامات فنی و تاکتیکی را توسعه داد و چنین پیش‌بینی کرد که قادر خواهد بود که

تعداد زیادی از بمب‌افکنهای امریکایی به درون سیستمهای دفاع شوروی نفوذ کرده و اتحاد شوروی را با خاک یکسان سازند. این عقیده هرگز قابل اعمال نبود، اما پیش‌بینی آنها از آسیب‌پذیری سیستمهای دفاع موشکی شوروی در دهه ۱۹۸۰، زمانی که یک هواپیمای غیرنظامی سبک که از آلمان غربی پرواز کرده بود و بدون وجود رهگیری در میدان سرخ (مسکو) فرود آمد، به اثبات رسید.

مقایسه بین سیستم دفاع هوایی و سیستم دفاع موشکی بالستیک اشتباه است و شخص نمی‌تواند به راحتی عملکردهای قبلی را به موارد جدید تعمیم دهد. اما ارائه یک دلیل قانع‌کننده درخصوص اینکه سرنگون کردن موشکهای بالستیک آسانتر از سرنگون کردن هواپیماست یا اینکه توانایی یک کشور در به کارگیری موشکهای بالستیک قاره‌پیما اقدامات متقابل نسبتاً دشوار را برای آن کشور به وجود نمی‌آورد، مشکل است. حتی اگر سرانجام سیستم دفاع موشکی ملی فعلی، میزان ۹۰ درصد کارآیی فنی را در میدان آزمایش نشان دهد، سؤال منطقی این است که آیا همیشه می‌تواند تحت هر شرایط عملیاتی عمل کند.

سیاستگذاران امروزی امریکا بایستی موانع و محدودیتهای اساسی سیستم دفاع موشکی را در برابر حمله موشک مسلح به بمب اتم متوجه شوند (دقیقاً همان طوری که سیاستگذاران قبلی محدودیتهای سیستمهای دفاع هوایی در برابر بمب‌افکنهای مسلح به بمب اتم را درک می‌کردند) و قبول کنند حتی اگر به همان اندازه موفق شوند، عملاً نخواهند توانست امنیت در مقابل حمله موشک کروز یا بمب‌افکن را، تأمین کنند. عدم قبول این محدودیتهای می‌تواند باعث درک و استنباط غلطی از امنیت شده و منجر به طرح اولویتهای دفاعی نامناسب شود. در دهه ۱۹۳۰، خط ماژینو\* (Maginot) ایجاد شد تا از فرانسه در مقابل تهاجم آلمان و از پیامدهای وحشتناک آن برای کشورشان حفاظت کند.

\* خط دفاعی مستحکمی که به ابتکار آندره ماژینو، وزیر جنگ فرانسه، در دهه ۱۹۳۰ در طول مرز شرقی کشور ساخته شد. خط ماژینو با سنگرهای مستحکم که از سوئیس تا بلژیک امتداد داشت برای آن ساخته شد که در برابر حملات احتمالی ارتش آلمان سدی به وجود آورد و به ویژه از تصرف آلزاس و لرن به وسیله آلمانیها جلوگیری کند. اتکا به این خط و دفاع غیرمتحرک، اشتباه محاسبه‌ای از سوی فرانسویان بود چرا که آلمانیها این خط را دور زدند و از طریق بلژیک، فرانسه را مورد حمله برق‌آسا قرار دادند. از آن پس اصطلاح "طرز تفکر ماژینویی" به معنای طرز تفکر غلط یا اشتباه محاسبه وارد اصطلاحات سیاسی شد.

ایجاد خط ماژینو صرفاً رهبران فرانسه را تحت تأثیر قرارداد. خط ماژینو موفق بود، زیرا به طور ناقص طراحی و اجرا شد، اما به دلیل اینکه آلمانیها دقیقاً متوجه شده بودند که دفاع از آن چقدر خطرناک می باشد، یک استراتژی برای دور زدن آن طراحی کردند. صرف بخش عمده منابع و انرژیهای دفاعی داخلی امریکا در سیستم دفاع موشکی ملی، سرنوشت مشابهی را تداعی می کند. کشورهای متخاصم نه تنها گزینه های اقدام متقابل را در اختیار دارند بلکه گزینه هایی نیز دارند که می توانند جنگ افزارهای هسته ای یا میکروبی را به وسیله هوایما یا موشکهای کروز حمل کنند لذا از این طریق سیستمهای دفاعی ما را دور می زنند.

### هزینه دفاع یک لایه ای

سیستمهای دفاع موشکی ملی متعددی برای حفاظت از نیروهای نظامی امریکایی در مراحل پیشرفته ای از توسعه قرار دارند. سیستمهای دفاعی صحنه عملیات (Theater defenses) که علیه موشکهای با برد متوسط عمل می کنند احتمالاً در چند سال آینده با هزینه های زیادی به کار گرفته خواهند شد. از سوی دیگر، رسیدن به یک ارزیابی دقیق در این باره که سیستم دفاع موشکی ملی چقدر هزینه خواهد داشت خیلی دشوار است.

دولت بوش هنوز در باره طرح و نقشه نهایی برای چنین سیستمی تصمیم نگرفته است، اما تأیید کرده است که می خواهد به سوی یک رهیافت چند لایه ای "Layered" حرکت کند تا بتواند اجزای سازنده متفاوت آن را به طور پی در پی علیه موشک بالستیک، در مرحله کندن موشک از زمین، در مرحله میانی مسیر پرواز موشک و در مرحله پایانی اش، به کار برد. اداره بودجه وابسته به کنگره آمریکا برآورد کرده است که شکل کامل سیستم در مرحله میانی مسیر پرواز موشک، که در حال اجراست، ۵۰ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت (برای تولید و توسعه پایگاهها و ده سال عملیات) به علاوه ۱۰ میلیارد دلار اضافی نیز برای گیرنده های پایگاه فضایی هزینه خواهد شد. سیستمی که تنها در مرحله پایانی دفاع موشکی، احتمالاً به توسعه برنامه جدید نیاز نخواهد داشت، زیرا می تواند براساس سیستمهای دفاع موشکی عملیاتی استوار باشد که در عرض چند

سال آینده به کار گرفته خواهند شد. اما به دلیل اینکه سیستمهای دفاع موشکی پایانی ممکن است صرفاً از مناطق محدودی محافظت کند، شبکه ملی آنها نه تنها شامل فرماندهی سراسری و سیستم کنترل خواهد بود بلکه همه موشکها و رادارها را از همه مناطق شهری جمع آوری می کند تا همه آن مناطق را تحت پوشش قرار دهند.

مرحله کننده شدن موشک از زمین، هنوز طراحی نشده است. شکل پایگاه هوایی آن، اگر آماده و در بحران به کار گرفته شود، چه بسا دفاع فوری را در مقابل حمله موشکی از جانب کره شمالی یا عراق را فراهم می سازد اما نمی تواند در برابر حمله موشکی از شمال ایران دفاع فوری کند. پوشش دفاعی کامل یا مستلزم وجود مجموعه ای از فضاپیماها یا نیازمند پایگاههایی در روسیه یا پایگاههایی در چندین جمهوری آسیای مرکزی خواهد بود. به دلیل دسترسی این کشورها به موشک در مرحله کننده شدن موشک از زمین، سیستمهای فضاپیما برتریهای ذاتی نسبت به آنهایی که در زمین، هوا یا دریا مستقر هستند، دارند. اما همزمان، به طور قابل توجهی مسائل فنی را پیچیده تر و پرسشهای جدی را درباره هزینه، برنامه زمان بندی شده و عملی بودن آنها مطرح می کنند.

دشوار است که هم سیستم در مرحله کننده شدن موشک از زمین فضا- پایه را تصور کرد و هم سیستمهای پیچیده پایانی سراسری را که هزینه کمتری از سیستم دفاعی در مرحله میانی مسیر پرواز موشک زمین- پایه دارند، تصور کرد که در دست اجراست. سرانجام هزینه رهیافت لایه ای "Layered" نسبت به سیستم دفاع موشکی ملی ممکن است چند برابر بیشتر از ۶۰ میلیارد دلاری باشد که صرفاً برای سیستم در مرحله میانی مسیر پرواز موشک برآورده می شود. بایستی به مقدار قابل توجهی از بودجه و منابع نیازهای نظامی دیگر کسر کرد. اگر چنانچه وزارت دفاع بتواند این بودجه را تأمین کند، امید است که بتوان سیستم دفاع فراگیر را بازسازی و پایگاههای غیرضروری را تعطیل کرد. علی رغم تمایل جدید بعد از یازده سپتامبر، برای پرداخت منابع اضافی برای دفاع ملی، دولت در آینده با انتخابهای دشواری مواجه خواهد شد که چگونه بودجه و منابعش را بین نیروها، ساختارها، آمادگی و سرمایه گذاریهاش، از جمله دفاع موشکی، تقسیم کند.

در دوران تصدی ام به عنوان وزیر دفاع، دریافتم که اولویت سرمایه گذاری در برنامه های دفاعی و سپس دفاع کردن از این اولویتها در برابر رئیس جمهور، کنگره و

مردم کار خیلی سختی بود. آن موقع نظرم این بود - و حالا نیز معتقدم - که اگرچه برنامه دفاع موشکی ملی خیلی مهم است، ولی بایستی اولویت و اهمیت کمتری نسبت به برنامه‌هایی که نقش اساسی در حفظ آمادگی نظامی دارند، داشته باشد. من همچنین اهمیت کمتری به سیستم دفاع موشکی ملی در برابر برنامه‌های اساسی، که برای ارتقای نیروهای متعارف آمریکا طراحی شده‌اند، قائل هستم، به ویژه معتقدم که نیاز فوری وجود دارد که نسل جدید هواپیماهایی که در طول ده سال گذشته توسعه پیدا کرده‌اند، جایگزین جنگنده بمب افکنهای آمریکایی شوند، تکنولوژی که (قابلیتهای پنهانکاری فوق‌العاده زیاد و حمل جنگ افزارهای حساس را دارد) در هر درگیری نظامی، برای چندین دهه آینده، به آمریکا برتری هوایی خواهد داد. عملیات طوفان صحرا نشان داد چگونه برتری هوایی آمریکا همه ابعاد فعالیتهای نظامی را تقویت می‌کند و به آمریکا اجازه می‌دهد تا به طور سریع و قاطع و با کمترین تلفات به پیروزی دست یابد. (برتری هوایی) همچنین به بقیه دنیا نشان داد که تلاششان برای مقابله با ارتش آمریکا بی حاصل است. بحران اخیر یکبار دیگر نقش قابل توجه ناوهای هواپیما بر و انتقال نیروی نظامی آمریکا را نشان داد. واشنگتن بایستی از برنامه‌های در دست اقدام برای نوسازی ناوهای جنگی هواپیما بر آمریکا حمایت کند. نیروهای آمریکایی بایستی به وسیله تکنولوژی اطلاعاتی مدرنی که دولت بوش به درستی به اهمیت آنها پی برده است، دگرگون شوند. همه این برنامه‌ها پرهزینه خواهند بود، و برای جذب سرمایه با سیستم دفاع موشکی ملی رقابت خواهند کرد. با این حال، برخلاف سیستم دفاع موشکی ملی، این سرمایه‌گذارها برای اهداف بیشتری در نظر گرفته می‌شود. آنها به آمریکا این امکان را می‌دهند که در درگیریهای احتمالی پیروز شود، به تداوم رهبری آمریکا و نیز به جلوگیری از جنگ متعارف کمک می‌کنند، و مکمل اساسی نیروهای اتمی در جلوگیری از استفاده و کاربرد جنگ افزارهای اتمی و میکروبی علیه آمریکا و یا متحدانش هستند. قربانی کردن حفظ برتری نظامی متعارف آمریکا برای تحقق و اجرای برنامه گسترده سیستم دفاع موشکی ملی به جای افزایش توانایی و قدرت ملی برای جلوگیری از جنگ اتمی و نیز جنگ متعارف، آن را تضعیف خواهد کرد.

## مابقی داستان

واکنش به خطرات تکثیر و گسترش سلاحهای هسته‌ای، میکروبی و تروریسم مستلزم برنامه‌های دفاعی بیشتری است. امریکا بایستی اولویت و سرمایه‌گذاری بیشتری به برنامه‌های اطلاعاتی و جاسوسی و برنامه‌های اجرای قانونی اختصاص دهد که بتوانند به مقامات ذی‌صلاح کمک کنند تا در گروههای تروریستی که حملات را برنامه‌ریزی می‌کنند نفوذ کنند و نیز توجه خاصی به تلاشهای اطلاعاتی و جاسوسی کند که به طور کلی ماهیت گسترش خطر را روشن می‌سازند.

از آنجا که حتی بهترین اقدامات اطلاعاتی و جاسوسی هرگز نمی‌تواند امنیت کامل را به ارمغان آورد، امریکا نیازمند افزایش سرمایه‌گذاریها در برنامه‌هایی است که برای مقابله با حمله - که یکبار اتفاق افتاده است - ضروری است. برای مثال در مورد جنگ افزارهای میکروبی، "مدیریت پیامد" سریع و مؤثر، ممکن است از افزایش ده‌برابر تلفات قریب‌الوقوع احتمالی جلوگیری کند. ضرورتاً حکومت‌های محلی و ایالتی، به ویژه مأموران آتش‌نشانی و پلیس در خط مقدم خواهند بود، اما گارد ملی و واحدهای ذخیره بایستی برای فراهم ساختن حمایت مؤثر تقویت شوند. به هر حال هیچ‌کدام از این نیروها، تجهیزات، دارو و آموزش ویژه‌ای ندارند که بتوانند به طور کامل با حمله میکروبی مقابله کنند - صرفاً مراکز کنترل بیماری می‌توانند یک واکنش مؤثر و کارآمد از خود نشان دهند. واشنگتن برای آمادگی خود جهت مقابله با مجموعه متنوع و گسترده‌ای از میکروبها که ممکن است در حمله بعدی مورد استفاده قرار گیرند بایستی به زودی شروع به تحرک صنایع پزشکی و دارویی کند تا در سایه پیشرفتهای آنها واکنشهای ضروری، دارو، تجهیزات و امکانات مراقبت بهداشتی فراهم شود. همه این اقدامات و شاید هم بیشتر از این، ظاهراً وظیفه و مسئولیت وزارت امنیت داخلی خواهد بود، اما غلبه بر بخشهای بوروکراتیک و سستی برنامه‌ای خیلی دشوارتر از آن خواهد بود که انتظار می‌رود.

در این میان، تلاشهای مضاعفی که برای متوقف کردن یا کند کردن تکثیر و گسترش تسلیحات هسته‌ای و میکروبی صورت می‌گیرد بسیار امیدوارکننده‌تر از انتقادات هستند. پس از پایان جنگ سرد، چهار کشور (اوکراین، قزاقستان، روسیه سفید و آفریقای



جنوبی) زرادخانه‌های اتمی بزرگشان را برچیده‌اند و دو کشور دیگر (آرژانتین و برزیل) نیز به برنامه‌های جنگ‌افزارهای اتمی شان، که موفقیت کمی داشته‌اند، پایان داده‌اند. جریان و روندی که به طور ناقص به وسیلهٔ تصمیمات هندوستان و پاکستان تعدیل شد تا اینکه قدرت اتمی سرّی خودشان را آشکار کردند. تداوم تلاشها در جهت عدم تکثیر سلاحهای هسته‌ای مهم است، اگر قاطعانه پیگیری شوند، فرصتهایی برای کاهش تهدیدات جدید قبل از شکل‌گیری آنها به وجود می‌آید. برای مثال در نتیجه مذاکرات، توافقنامه‌ای امضا شد که براساس آن کره شمالی متعهد شده‌است که برنامه‌های تولید موشکهای دوربرد خود را متوقف سازد.

همچنین تلاشهای جدی در بارهٔ عدم تکثیر سلاحهای هسته‌ای بایستی شامل روسیه و چین هم بشود. گفتگوی دائمی با هر دو آنها مهم و اساسی است، اما مهمترین موضوع در چنین گفتگوهایی، تکثیر سلاحهای اتمی است نه دفاع موشکی و حتی نه کاهش در نیروهای استراتژیک. مسکو و پکن در خصوص همکاری با امریکا برای کنترل برنامه‌های جنگ‌افزارهای غیرمتعارف عراق، ایران، لیبی و کره شمالی بایستی دست به اقدامات جدی بزنند. برای حصول نتیجه با مسکو و پکن، امریکا بایستی به یک سری توافقات دربارهٔ موضوعات دیگر برسد. هر دو کشور برای تکثیر سلاحهای هسته‌ای اهمیت کمتری قائل هستند، در مقابل بیشترین توجهشان به سوی بازدارندگی اتمی نهایی متمرکز شده‌است. امریکا بایستی رهیافت مخالفی را در پیش گیرد، در این صورت، فضا برای بحثهای سودمند مشترک فراهم می‌شود. اگر توافقات مفیدی در خصوص کنترل تکثیر سلاحهای هسته‌ای و میکروبی حاصل نشود، تهدید افزایش خواهد یافت. در واقع، اگر بن‌بست حاضر در زمینهٔ مشورتها دربارهٔ سیستم دفاع موشکی ملی ادامه یابد، منجر به این خواهد شد که چین به طور قابل توجهی به نوسازی موشکهای دوربرد خود پردازد و آنها را توسعه دهد که این برنامه در دست اقدام است و نیز منجر به این خواهد شد که روسیه و چین موشک و تکنولوژی ضددفاعی خود را در اختیار کشورهای مخالف امریکا قرار دهند. اگر تلاش برای استقرار سیستم دفاع موشکی ملی منجر به افزایش تکثیر سلاحهای هسته‌ای شود، شاهد کاهش محسوسی در امنیت امریکا خواهیم بود. از سوی دیگر، اگر مذاکرات با روسیه و چین موفق به

کنترل قوی تکثیر سلاحهای هسته‌ای شود، دولت بوش فرصت استثنایی و تاریخی برای جلوگیری از بروز تهدیدات اتمی و میکروبی جدید به دست می‌آورد. البته ممکن است همکاری لازم از سوی روسیه و چین در آینده صورت نگیرد. با این حال موانع خیلی زیادی وجود دارد که باعث می‌شوند همه تلاشها به نتیجه نرسند.

اگر دولت بوش برای حفظ برتری نظامی متعارف امریکا تلاش کند تلاشها و اقدامات در جمع‌آوری اطلاعات و مدیریت پیامد تقویت می‌شود، و به دنبال آن زمینه برای همکاری بین‌المللی در زمینه موضوع محوری تکثیر سلاحهای هسته‌ای و میکروبی فراهم می‌شود. دولت بوش بعید است توانایی مالی یا دیپلماتیک کافی برای استقرار کامل سیستم دفاع موشکی ملی لایه‌ای را در کوتاه‌مدت داشته باشد. با این حال، هنوز بایستی از یک برنامه سریع برای تولید و به‌کارگیری سیستمهای دفاع موشکی عملیاتی حمایت کند. اگر سیستمهای جدید پیشرفته باشند، ممکن است در جریان بحرانها سریعاً برای دفاع در مقابل تهدیدات موشکهای بالستیک به‌کار گرفته شوند، (که تقریباً تعدادشان کم است) یا در مواردی که موشک در مرحله‌ی کنده شدن از زمین، در داخل پایگاه سیستم دفاع موشکی سقوط کند. برای مثال، به‌کارگیری سیستم دفاع موشکی پایگاه دریایی یا لیزر هوابرد برای حمایت از کره جنوبی - همان‌طوری که دولت کلینتون از موشک پاتریوت در جریان بحران ۱۹۹۴ استفاده کرد، باعث قطع گفتگوهای مربوط به عدم تکثیر سلاحهای هسته‌ای و میکروبی با کره شمالی شد - روشی برای واکنش به هر تلاش تهدید اتمی خواهد بود. امریکا بایستی برنامه تحقیقات و توسعه سیستم دفاع موشکی قاطع را حفظ کند. نتایج آن، چه بسا محاسبات درباره چنین موضوعاتی را تغییر داده و از مسیر خارج کند. هدف اصلی چنین تلاشی بایستی درک بسیار قوی از سیستمهای دفاع موشکی و نیز آسیب‌پذیری در مقابل اقدامات متقابل و توسعه ابزارهای مناسب برای غلبه بر آن اقدامات متقابل باشد. به ویژه وزارت دفاع بایستی یک برنامه خیلی قاطع برای آزمایش اجرای سیستمهای دفاع موشکی ملی امریکا علیه همه اقدامات متقابل واقعی داشته باشد. این آزمایش می‌تواند نقش مهمی در اعتبار بخشیدن به مکانیزمهایی که اقدامات متقابل را خنثی می‌سازد، بازی کند. اما تنها شبیه‌سازیهای خیلی مفصل و گسترده هدف "تیم قرمز" ناظران خارجی است که به مقامات این امکان

را می‌دهد تا ارزیابی کنند چگونه یک سیستم خوب در مقابل اقدامات متقابل متعددی که ممکن است با آن مواجه شود، کار می‌کند.

### گام به گام

امریکا، در تاریخ دنیا، مخربترین عملیات تروریستی را تجربه کرده است و در برابر آن ممکن است واکنش نشان دهد و واکنش نشان خواهد داد. اما این حمله نشان داد که گروه‌های بزرگ و سازمان‌یافته‌ای وجود دارند که هدف اولیه‌شان کشتن تعداد زیادی از آمریکاییان است. این گروه‌ها خیلی خوب می‌دانند که جنگ‌افزارهای اتمی و میکروبی می‌توانند بهتر از روش‌هایی همچون کامیونهای بمب‌گذاری شده یا هواپیمای حامل خلبان از جان‌گذشته هدف آنها را عملی سازند. همچنین امریکا با چند کشور مواجه است که معتقدند می‌توانند اهداف و منافعشان را از طریق تهدیدات غیرمتعارف فزاینده، به پیش ببرند. بنابراین امنیت آینده آمریکا بستگی به اقداماتی دارد که امروزه برای پیشگیری از تکثیر جنگ‌افزارهای اتمی و میکروبی، در آینده، صورت می‌گیرد. در جای خود، اقدامات عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و میکروبی بستگی به همکاری مؤثر با سایر قدرتهای اتمی دارد. بنابراین رسیدن به چنین همکاری یک هدف حیاتی برای امنیت ملی است.

حتی اگر امریکا در جلوگیری از تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و میکروبی شکست بخورد هنوز بازدارندگی مؤثر و معتبر هم جنگ‌افزارهای اتمی و هم جنگ‌افزارهای غیرمتعارف را دارد. اما منطقی است که خود را در مقابل حادثه احتمالی، که هم جلوگیری و هم بازدارندگی برای مقابله با آن شکست بخورد، آماده سازد. سیستم دفاع موشکی ملی یک چنین اقدام احتیاطی است. به طوری که به نظر می‌رسد دولت اعتبار و اهمیت بیشتری برای دفاع موشکی قائل است تا اقدامات امنیت ملی؛ هم در درون بودجه دفاعی و هم در خارج از آن بایستی قبول کنند که سیستم دفاع موشکی ملی هیچ تضمین و حفاظتی در مقابل اشکال احتمالی حمله تروریستی به وجود نمی‌آورد و حتی در مقابل حمله احتمالی موشک‌های کروز یا بمب‌افکنها مؤثر و کارآمد نخواهد بود. بنابراین سیاست بیمه کردن هزینه زیادی به وجود خواهد آورد، گرچه تنها یک احتمال است اما به هیچ وجه حادثه بعید نیست، و می‌تواند باعث افزایش سطح و پیچیدگی

تهدیدات روبه‌روی کشور آمریکا شود.

در مقابل، سیستمهای دفاع عملیاتی، تهدید آشکار و مستقیمی به آمریکا نشان می‌دهند که به وسیله موشکهای کوتاه‌برد صورت می‌گیرد که مفهومش تداوم برنامه تحقیقات و توسعه قوی سیستمهای دفاعی علیه موشکهای بالستیک می‌باشد، اما اشتباه خواهد بود که اجازه بدهیم چنین اقداماتی مانعی در مقابل تلاشها برای جلوگیری از تکثیر و توسعه سلاحهای هسته‌ای و میکروبی باشد، یا مانعی در جهت رسیدن به برنامه‌های مشترک بین‌المللی باشد که برای واکنش نشان دادن قاطعانه به چالش‌های فوری لازم و ضروری است. در هر حادثه و شرایط، بایستی قضاوت آگاهانه‌ای درباره منطق به کارگیری یک سیستم دفاع موشکی ملی صرفاً بعد از اظهار نظرهای واقع‌بینانه مقامات رسمی درباره به کارگیری سیستم دفاع موشکی ملی در مواجهه با اقدامات متقابل احتمالی و ارزیابیهای متغیر هزینه‌های مالی و دیپلماتیک آن، صورت گیرد. تا آن روز چند سال فاصله داریم.